

جایگاه ادبیات معاصر از منظر جامعه‌شناسی و هنر

چکیده

مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات از اواسط قرن بیستم در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی آغاز و به رسمیت شناخته شد. نقطه‌عطف این اتفاق، نظریه «ایپولیت تن» در قرن نوزدهم با طرح سه عنصر مؤثر در پیدایش اثر ادبی «روح جمعی، موقعیت و زمانه» محسوب می‌شود. طبق نظریات دانشمندان بزرگ دیگر این رشته مانند: گئورگ لوکاچ، لوسین گلدمن، لئولونتال و روبراسکارپیت، برای بررسی اثر ادبی، برخلاف نقد فرمالیستی که به خود متن می‌پردازد، به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه توجه می‌شود. لوسین گلدمن با کاری سیستماتیک، ادبیات را با ساختارگرایی تکوینی مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار داد و به بررسی پایه‌ها و درون‌مایه‌های آثار پرداخت. از دوره مشروطه، عواملی مانند توسعه و افزایش روابط ایران با اروپا، تغییر جریان ساختارهای فکری و مجموعه رویدادهای اجتماعی و سیاسی موجب تغییر شکل و محتوی شعر معاصر شدند. دوره مشروطه فرصتی شد تا شاعران و روشنفکران جامعه از طریق آشنایی با فرهنگ غربی، چاپ مجلات و روزنامه‌ها و ترجمه آثار نویسندگان بزرگ دنیا، زمینه‌های فکری اندیشمندان جامعه را متحول کرده و شعر و نثر فارسی را متحول کنند. در این دوره، شاعران از آسمان خشک خیال، گیسوی معشوق، وعظ و خطابه، پند و نصیحت به میان مردم آمدند و در کنار آن‌ها و با درک وضعیت معیشت و زندگی حرمان‌دیدگان و با اهدافی متعالی‌تر از گرفتن صله و تعریف و تمجید پادشاهان، به خلق اشعار اجتماعی پرداختند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ادبیات معاصر از نظر جامعه‌شناسی.
۲. بررسی ادبیات معاصر از نظر هنری.

سوالات پژوهش:

۱. ادبیات معاصر از نظر جامعه‌شناسی دارای چه جایگاهی است؟
 ۲. ادبیات معاصر از نظر هنری دارای چه جایگاهی است؟
- کلیدواژه‌ها:** شعر معاصر، لوسین گلدمن، جامعه‌شناسی ادبیات، هنر.

مقدمه

محیط ادبی و اجتماعی هر جامعه‌ای مانند رشته‌های به‌هم‌تنیده‌ای جدایی‌ناپذیرند. عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌عنوان جریان‌های زیربنایی ادبیات و عامل اصلی شکل‌دهنده تعاملات اندیشه‌های انسانی از سهم به‌سزایی برخوردار هستند. در بررسی رابطه اثر ادبی و ساختارهای اجتماعی، در جامعه‌شناسی ادبیات، معرفت انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا میزان انعکاس تعامل احساس و عقل در دگرگونی‌های اجتماعی شناخته شود. زاویه دید مکاتب جامعه‌شناسی به ادبیات، گونه‌های مختلفی دارد که یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در هدایت پژوهشگران، روش ساختارگرایی «لوسین گلدمن» است. از نظر ساختارگرایی گلدمن، اثر ادبی به‌وسیله نگرش جمعی از انسان، در ساخت آگاهی جمعی تأثیر می‌گذارد. با فرض بر اینکه ادبیات و جامعه دو مقوله تفکیک‌ناپذیر از هم هستند، این مقاله در نظر دارد تا با رویکردی جامعه‌شناسانه، جریان‌های ادبیات معاصر را مورد بحث و بررسی قرار دهد. همچنین بازتاب جامعه و شعر و هنر را بر همدیگر در تاریخ شعر معاصر فارسی مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد و از این طریق، به دنیای اشتراکی جریان‌های زیربنایی و روبنایی جامعه ایرانی در روزگار معاصر پی ببرد.

این تحقیق، با تکیه بر روش‌های نقد جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد و مبنای اصلی کار بر پایه روش جامعه‌شناسی، پی‌ریزی شده است. در ایران، پیشکسوتانی چون غلامحسین صدیقی و محمود روح‌الامینی، در اوایل دهه پنجاه، مبنای اجتماعیات در ادبیات را مورد بررسی قرار دادند. این شروعی بود تا اولین پایان‌نامه، به‌صورت آکادمیک در زمینه فهم عناصر و مفاهیم اجتماعی در ادبیات توسط خانم معصومه عصام در دانشگاه تهران تألیف شود. بعد از او فیروز شیروانلو به تألیف کتاب «گستره و محدوده جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» در سال ۱۳۵۵ ش، مبادرت ورزید. دکتر جمشید ایرانیان، در آغاز انقلاب اسلامی با کتاب «واقعیت اجتماعی جهان داستان» با مطرح کردن نظریات لوکاچ و گلدمن، به بررسی پنجاه‌ساله جامعه‌شناسی در ادبیات ایران پرداخت و اولین کار علمی جامعه‌شناسی رمان در ایران را بنا نهاد. دهه هفتاد مصادف شد با ترجمه مقالات و تألیف کتب در این زمینه که بخش عظیم آن توسط علی‌اکبر ترابی و محمد جعفر پوینده انجام شد. یوسف ابادری، رضا تسلیمی طهرانی، فرهنگ ارشاد، تقی آزاد ارمکی از ادامه‌دهندگان شاخص در گستردگی و پیشرفت این رشته میان‌دوره‌ای بودند. از کتب معتبر و سودمندی که در این زمینه منتشر شده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: «جامعه‌شناسی هنر» تألیف امیر حسین آریان‌پور؛ «جامعه‌شناسی ادبیات» (شعر نو و تکامل اجتماعی) تألیف علی‌اکبر ترابی؛ جامعه‌شناسی ادبیات فارسی از آغاز تا سال ۱۳۵۷، تألیف، دکتر محود پارسانسب.

شیوه کار در این مقاله، براساس بررسی آثار برجسته این دوره و نقد اشعار اجتماعی آن شاعران، پایه‌گذاری شده است. روشن است که به دلیل موضوع جامعه‌شناختی و اجتماعی مقاله از ذکر نام و آثار شاعران صاحب‌قلم و توانمندی که کم‌تر در این زمینه، به آفرینش، قلم زده‌اند، خودداری به عمل آمده است.

نتیجه‌گیری

تلاش برای یافتن روشی که از طریق آن بتوان به مناسبات ذهنی هنرمند و جامعه دست یافت، توسط جامعه‌شناسی ادبیات در قرن هجده میسر شد. این رشته نوپا که از عینیت‌ها فاصله گرفت و وارد ذهنیات و آفرینش‌ها شد، نخستین‌بار توسط جورج لوکاچ مجارستانی، به جامعه‌شناسی کانت و هگل و مارکس پیوند خورد و با فرهنگ و هنر و فلسفه و اقتصاد، مرتبط شد. از آن پس، در جامعه‌شناسی ادبیات، آثار ادبی به‌عنوان ماده خامی که مضامین تاریخی، فلسفی،

تاریخی، عرفانی و اجتماعی را دربر داشت، مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. از نظر «لوسین گلدمن» ساختارهای ذهنی در پدیده‌های ادبی به‌عنوان پدیده اجتماعی، با ساختارهای ذهنی گروه‌های اجتماعی همخوان است.

هیچ‌کدام از آفرینش‌ها خودسرانه نیستند و از نحوه بیان ویژه آثار هنری چنین استنباط می‌شود که روش بیان ارزش‌های اخلاقی هنرمند در قالب قوانین خاص هنری انجام می‌شود و جهان‌نگری و شیوه مشاهده و احساس جهانی هنرمند، به‌وسیله صور خاصی بیان می‌گردند. از همین روی، ارزش‌ها گاهی غیرصریح و به‌طور ضمنی اشاره می‌شوند و منتقد این روش، باید عامل چگونگی پیدایش اندیشه و نگرش نویسنده نسبت به طبقه اجتماعی یا گروه خاص را دریابد.

آشنایی روشنفکران ایرانی از دوران صفوی با افکار و زندگی اروپایی‌ها و شرح زندگی آن‌ها از آن دوران توسط حزین لاهیجی و عبداللطیف لاهیجی و رواج سفرنامه‌های متعدد و ترجمه‌ها و تألیف نمایشنامه‌ها و بیانیه‌ها از جمله عوامل اصلی تغییر ساختارهای ذهنی روشنفکران بعد از مشروطه محسوب می‌شوند که در ضمن این تغییر، ادبیات کهن، به‌تدریج وارد مرحله جدیدی از تألیف قرار گرفت و ادبیات مدرن با تکیه بر سنت، در آثار شاعران پیشگام اشعار سیاسی و اجتماعی ایران چون سیداشرف‌الدین گیلانی، ایرج‌میرزا، علی‌اکبر دهخدا، عارف قزوینی، فرخی یزدی، ملک‌الشعراء بهار، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده عشقی با مضامین جدیدی شکل گرفت.

در میان فضای متشنج اجتماعی- سیاسی و بحران و درگیری‌های جهانی و در برهه‌ای که شاعران و نویسندگان به دنبال تجددگرایی و گذر از باستان‌گرایی بودند مردی از توابع یوش مازندران در انزوای شاعرانه خود با سرودن اشعار «قصه رنگ پریده، خون سرد»، «شیر»، «یادگار» و «محبس» وارد دنیای شاعران شد و با وجود مخالفت‌های عده‌ای، سبک و سیاق اشعار «افسانه» و «ای شب» مورد استقبال شاعرانی چون شهریار و بهار قرار گرفت. طرح نوین نیما به‌تدریج، ساختمان فکری، زبان و قید و بندهای ساختاری انواع شعری را متحول ساخت و پیکره شعر فارسی را مدرنیزه کرد. این سبک حرکت آگاهانه و نشأت گرفته از سیاست و اوضاع اجتماعی، راه‌گریزی بود تا نیازهای جامعه در قالب زبانی متفاوت و امروزی بیان شود.

ساختار ذهنی نیما متعلق به تمامی گروه‌های مردمی و هم‌سو با حرارت آتشی بود که درون مردم را می‌گداخت. او با روش نمادسازی (سمبلیسم) فریاد و اعتراض خود را در مقابل خفقان جامعه به‌صورت نمادین بیان کرد و دغدغه‌های اجتماعی را در قالب شعر نو مطرح کرد. نوآوری و حرکت مستقل نشأت گرفته از حالات طبقات مردمی نیما آغازگر مسیر دیگری از شعر، در آثار شاعرانی مانند شاملو، اخوان، فروغ، ابتهاج، منزوی شد؛ بدین ترتیب، مضامین شعری تازه با لباسی نو پا به عرصه ادبی فارسی نهادند و صورت‌های جدید در ارائه اندیشه‌ها شکل گرفت؛ بنابراین هیچ‌کدام از آفرینش‌ها خودسرانه نیستند.

هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حد و مرزی، آن‌ها را از هم جدا نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به‌خاطر گستردگی زیاد، تا حدی استقلال یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...) جدا بررسی می‌شود، درحالی‌که از نظر ماهیت، - چنانکه ارسطو تصریح کرده است - در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است.

منابع و مأخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۹). تورا ای کهن بوم دوست دارم. تهران: نشر زمستان.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۸). پای فواره نخل. به کوشش ابراهیم سنایی، تهران: انتشارات صمد.
- براهنی، رضا. (۱۳۵۸). قصه‌نویسی. تهران: اشرفی.
- تقی‌زاده، محمود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی ادبیات جهان. تهران: سرمدی.
- تولستوی، لئو. (۱۳۶۴). هنر چیست؟. مترجم: کاوه دهگان، تهران: امیرکبیر.
- رجایی، مهدی. (۱۳۹۵). «معرفی تعدادی از نمادهای شاخص در هنر ایران ملهم از ادبیات فارسی با تأکید بر هنرهای کاربردی». کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات.
- رجبی، زینب؛ فهیمی‌فر، اصغر. (۱۴۰۰). «مطالعه بین‌رشته‌ای صور خیال در ادبیات و نگارگری ایران با تأکید بر آرایه استعاره». فصلنامه میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۲، ۱۱۹-۸۹.
- رویایی، یدالله. (۱۳۴۶). دل‌تنگی‌ها. چاپ اول، تهران: روزنه.
- دیچز، دیوید. (۱۳۹۴). شیوه‌های نقد ادبی. مترجمان: محمدتقی صدقیانی، غلام‌حسین یوسفی، تهران: علمی.
- حریری، ناصر. (۱۳۶۵). هنر و ادبیات امروز، گفتگویی با احمد شاملو، رضا براهنی. بابل: کتابسرای بابل.
- شادآرام، علیرضا؛ نامور، زهرا. (۱۴۰۰). «چیستی و چرایی تأثیر ادبیات عرفانی بر نگارگری ایرانی (با رویکرد نشانه‌شناسی)». فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۲، ۲۱۰-۱۸۵.
- شاملو، احمد. (۱۳۸۹). مجموعه آثار، دفتر یکم، شعرها. چاپ نهم، تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر فارسی. تهران: سخن.
- عسگرزاد، منیر؛ گذشتی، محمدعلی. (۱۳۹۴). «هنر ادبی و ادبیات هنری». علوم ادبی، شماره ۷، ۱۵-۱.
- فرخ‌زاد، فروغ. (۱۳۵۵). ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد. چ چهارم، تهران: مروارید.
- فضیلت، محمود. (۱۳۹۰). اصول و طبقه‌بندی نقد ادبی. تهران: زوآر.
- کاظم‌زاده، نسرين. (۱۳۹۹). «ارتباط میان ادبیات و هنر براساس مدرسه تطبیقی آمریکا». ششمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام.
- گلدمن، لویسس و دیگران. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقاله). گردآورنده و مترجم: محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان مهر.
- ولک، رنه و و آوستن وارن. (۱۳۷۳). «نظریه ادبیات». تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیوبرت، دریفوس؛ پل، رابینو. (۱۳۷۹). میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک. مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.